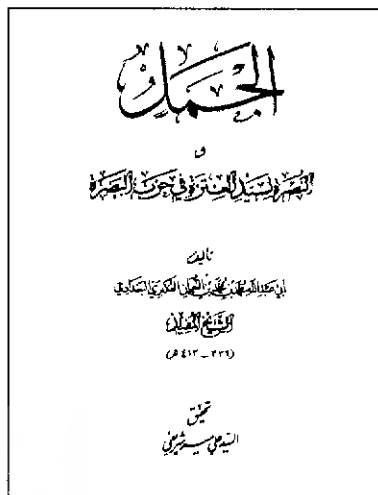


# روش پژوهشی شیخ مفید در تاریخ

قاسم خانجانی



۱۶۱

روش پژوهشی شیخ مفید در تاریخ

دیلمی، نجاشی (رجالی بزرگ شیعه) و شیخ طوسی در زمره مشهورترین شاگردان وی هستند. وی حدود ۲۰۰ اثر - اعم از رساله و کتاب - در بسیاری از رشته های علوم اسلامی به یادگار گذاشته است.

شیخ مفید پس از یک عمر تلاش و مجاهدت و ارشاد، در شب جمعه سوم رمضان ۴۱۳ هـ از دنیا رفت. در وصف زمان رحلتش گفته اند: «هیچ روزی بزرگ تر از آن روز دیده نشده است؛ به خاطر زیادی نمازگزاران و گریه کنندگان بر او از مخالف و موافق»<sup>۱</sup>. وی را ابتدا در منزل خود و پس از چندی در کاظمین نزدیک

محمد بن محمد بن نعمان حارثی عکبری بغدادی کرخی معروف به «ابن المعلم» و مشهور به «شیخ مفید» در سال ۳۳۶ هـ. ق در نواحی عکبری در حوالی بغداد به دنیا آمد.

شیخ مفید کسب علم را در کودکی آغاز نمود و از استادان بنام زمان خود چون «ابن جنید اسکافی»، «علی بن عیسی رمانی»، «ابن قولویه قمی» و «شیخ صدوق» بهره برد. شاگردان مهمی نیز، تربیت کرد که از دانشمندان و عالمان بزرگ شیعه شمرده می شوند: سید رضی (گردآورنده نهج البلاغه) برادرش سید مرتضی علم الهدی، سلار بن عبد العزیز



پای مبارک امام جواد(ع) به خاک سپردند.

شیخ مفید چنان تأثیر ژرفی بر افکار و اندیشه‌های رایج روزگار خود و پس از آن گذاشت که همگان - حتی کسانی که با وی دشمنی داشته‌اند - از ایشان به بزرگی یاد کرده و با عباراتی چون: پیشوای شیعه امامیه، یگانه در همه رشته‌های علوم، صاحب تصانیف بدیع، شکیبا، خوش زبان، دستگیر مستمندان، اهل نماز و روزه فراوان و زهد ستوده‌اند. وی حتی با توقیعاتی از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر(ع) مورد تمجید قرار گرفت.

### معیارهای ردّ یا قبول روایات تاریخی از نگاه شیخ مفید

شیخ مفید - چنان که از آثارش پیداست - هیچ گاه به عنوان یک مورخ دست به قلم نبرده تا گزارش‌های تاریخی را ارایه نماید یا به تحلیل حوادث تاریخی پردازد، بلکه آن چه شیخ مفید را به این عرصه آورده است دو چیز بیشتر نیست: یکی احساس مسئولیت ایشان نسبت به دفاع از حریم امامت و حقوق امامان(ع) و علاقه عمیقی که ایشان به این خاندان داشته است و دیگری پاسخ به پرسش مؤمنان، شیعیان و کسانی که در موضوعات مختلفی از معارف اسلامی دچار حیرت و سردرگمی گشته،

دست نیاز به سوی ایشان داشته‌اند و از وی پاسخ می‌طلبیدند. از این روست که بخش قابل توجهی از آثار ایشان چه در زمینه کلام، فقه و چه در زمینه تاریخ، پاسخ به پرسش دیگران است و بهترین گواه بر این مطلب اشارات و عباراتی است که به طور معمول ایشان در ابتدای کتاب یا رساله‌هایش آورده و انگیزه‌اش را از نگارش آن نوشته روشن ساخته است.

به هر صورت شیخ مفید در این وادی نیز، مانند عرصه‌های دیگر، بسیار محققانه و استوار وارد شده است و از این رو هر گزارش تاریخی را به آسانی نپذیرفته بلکه آن‌ها را مورد نقد و ایراد جدی قرار داده است. وی برای رد یا قبول روایات تاریخی ملاک‌هایی در نظر دارد که برخی از مهمترین آن‌ها به شرح ذیل است:

### هماهنگی اعتقادی راوی و متهم نبودن او در موضوع مورد روایت

از جمله مسائلی که در رد یا قبول روایات برای شیخ مفید اهمیت دارد، اعتقاد راوی است. این هماهنگی اعتقادی راوی به ویژه در موضوعی که راوی در صدد بیان آن است اهمیتی دو چندان دارد. از این رو، وی برخی روایات را که حتی ممکن است از شهرتی برخوردار باشند

با همین ملاک نمی پذیرد. به عنوان نمونه وی ازدواج دختر امام علی (ع) با عمر را از جهات مختلف قابل قبول نمی داند که یک علت آن اعتقاد راوی است. وی در این باره می گوید: «این موضوع قابل قبول نیست؛ چون راوی آن - زبیر بن بکّار - در آن چه بیان می کند متهم است و مورد اعتماد نیست. به علاوه آن که وی با امام علی (ع) دشمنی داشت و در آن چه علیه بنی هاشم نقل می کند، امین نیست».<sup>۲</sup>

شیخ مفید در ردّ نظریه اجباری بودن بیعت با امام علی (ع) و اکراه مردم بر این کار که از واقدی نقل شده است نیز از این ملاک بهره برده می گوید: «اما واقدی که عثمانی مذهب و به انحراف از امام علی (ع) و فاصله داشتن با آن حضرت معروف است و گواهی طرف مشاجره و سخن دشمن و کسی که در موضع اتهام است، به اجماع و بدون اختلاف مورد پذیرش نیست».<sup>۳</sup>

روایتی نقل شده است که طبق آن رسول خدا (ص) به مردم توصیه کردند تا پس از ایشان به ابوبکر و عمر اقتدا کنند.

شیخ مفید این روایت را ساختگی می داند و راویان آن، از جمله «عبدالملک بن عمیر» را از شامیان و دشمنان مشهور امام علی (ع)

معرفی کرده و بر همین اساس روایت مزبور را نمی پذیرد.<sup>۴</sup>

### موقعیت اجتماعی و معنوی

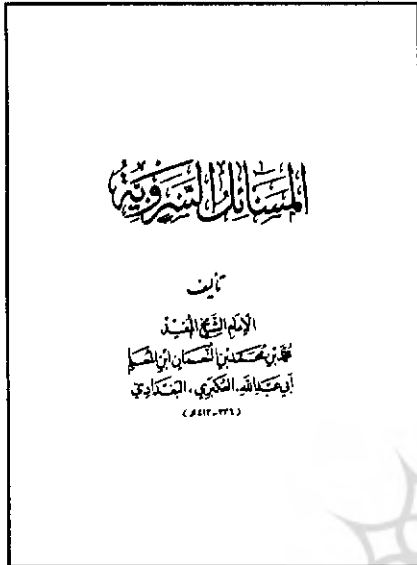
در نظر شیخ مفید، توجه به موقعیت اجتماعی و معنوی افراد هنگام سخن گفتن در باره آنان بسیار مهم است. وی بر این باور است که اگر بخواهیم در باره افراد سخن بگوییم و در مورد آنان قضاوتی داشته باشیم، باید شخصیت و موقعیت معنوی و اجتماعی آنان را در نظر بگیریم و در باره همگان نگاه یکسانی نداشته باشیم. بر همین اساس، وی کسانی را که موقعیت معنوی و اجتماعی امامان (ع) را نادیده گرفته و آنان را با سایرین در یک سطح قرار داده اند، مورد انتقاد قرار داده است. وی قضاوت «جاحظ» در مورد امام علی (ع) را با همین ملاک سنجیده و می گوید: «حکم جاحظ در باره امام علی (ع) بدون در نظر گرفتن موقعیت آن حضرت است. جاحظ گمان می کند که علی (ع) نیز مانند دیگران است که از تقوا و یقین بی بهره اند و به عاقبت امور توجهی ندارند و حرکتشان موافق با دین و مصالح مسلمین نیست».<sup>۵</sup>

شیخ مفید با همین ملاک مشورت رسول خدا (ص)



با امام علی (ع) و پذیرش نظر او را تحلیل کرده آن را نشانه مقبول بودن حضرتش نزد رسول خدا (ص) و گمراهی مخالفان و دشمنانش دانسته است.<sup>۶</sup>

وی بر این باور است که اطاعت اطرافیان ابوطالب در تطهیر لباس پیامبر (ص) از آلودگی‌هایی که دشمنان ایجاد کرده بودند و نیز زمینه‌ای که فراهم بود تا ابوطالب بتواند با اهانت کنندگان - که از بزرگان قریش بودند - برخورد کند، دلالت بر ریاست ابوطالب بر آنان و موقعیت اجتماعی و نفوذ ایشان دارد.<sup>۷</sup>



### تفاوت در نقل روایت

«هماهنگی» روایات و «عدم تفاوت نقل» آنان در نظر شیخ مفید از اهمیت بسیاری برخوردار است. متفاوت بودن روایات در الفاظ و کلمات و نیز ارقام و اعداد و هم چنین تفاوت در معنا و مضمون روایاتی که از یک واقعه یا جویان سخن می‌گویند، از مهم‌ترین سلاک‌های مورد نظر شیخ برای سنجش گزارش‌های تاریخی و پذیرش یا رد آن‌ها است. به عنوان مثال، وی در باره تعداد کشته‌های جنگ جمل و ترجیح قول ابن زبیر در این مورد می‌گوید: «اما عدم پذیرش نظر ابن زبیر به سبب تفاوت و فاصله زیاد آن با



نظر روایان دیگر است».<sup>۸</sup>

در زمینه اختلاف در متن روایت نیز، می‌توان به نمازی که ادعا شده است رسول خدا (ص) در آن سهو کرده‌اند اشاره کرد. شیخ مفید در این باره می‌گوید: «علاوه بر اشکالات دیگر، در نمازی که گمان کرده‌اند رسول خدا (ص) در آن سهو کرده است اختلاف است. برخی می‌گویند نماز ظهر و برخی می‌گویند نماز عشاء بوده است. اختلاف روایان در این نماز و وقت آن دلیل بر سستی این حدیث و بی اعتبار بودن آن است».<sup>۹</sup>

مطلب دیگری که باعث شده شیخ مفید با استناد به آن، حدیث مربوط به سهو رسول خدا(ص) در نماز را باطل بداند، اختلاف در چگونگی جبران این سهو از ناحیه پیامبر(ص) است. وی پس از اشاره به روایات مختلف در این باره(که گروهی اعاده نماز و عده ای سجده سهو را مطرح کرده اند) می گوید: «اختلافی که در این حدیث بیان کردیم بهترین دلیل بر باطل بودن این حدیث و روشن ترین دلیل برای ساختگی بودن آن است».<sup>۱۰</sup>

در برخی گزارش های تاریخی آمده است که رسول خدا(ص) در پایان عمر، هنگامی که در بیماری به سر می برد ابوبکر را مأمور کرد تا به عنوان امام جماعت با مردم نماز گزارد. شیخ مفید نه تنها این روایت و نظایر آن را نمی پذیرد، بلکه به عکس بر این باور است که هنگامی که آن حضرت از اقدام ابوبکر برای امامت جماعت با خبر شد، با آن که بیمار بود، با عجله حرکت کرد و آمد و او را از این کار باز داشت. وی پس از بیان نظر خود، با دلایل متعددی روایات مربوط به گزارش یاد شده را نادرست دانسته است که یکی از این دلایل اختلاف در نقل این روایات است. به ویژه آن که اختلاف در همه جوانب این روایات وجود دارد. از

این رو می گوید: «این روایات هم از نظر لفظ و هم از نظر معنا اختلاف دارند و دارای تناقض اند، در حالی که داستان یکی است».<sup>۱۱</sup>

ازدواج ام کلثوم - دختر امام علی(ع) - با عمر از موارد دیگری است که مورد پذیرش شیخ مفید قرار نگرفته است.

یکی از اشکالات این روایت مختلف بودن نقل های آن است، از این رو وی می گوید: «این سخن به شکل های مختلفی نقل شده است: یک بار می گویند امام علی(ع) دخترش را به عقد عمر درآورد؛ بار دیگر می گویند عباس - عموی پیامبر(ص) - عهده دار این کار بود؛ یک بار می گویند عقد واقع نشد، مگر آن که عمر بنی هاشم را تهدید کرد؛ بار دیگر می گویند این کار از روی اختیار و ایثار بوده است! به جز این ها، برخی راویان می گویند ام کلثوم از عمر فرزندی آورد که نامش را زید گذاشت، برخی می گویند عمر پیش از ازدواج با ام کلثوم درگذشت و سخنان دیگر. اختلاف اقوالی هم که در مقدار مهریه او وجود دارد، باعث بطلان اصل سخن شده آن را بی تاثیر می کند».<sup>۱۲</sup>



## عقل گرایی

حدیثی را مخالف احکام عقول یافتیم رهاش می کنیم».<sup>۱۳</sup>

وی چنان به قضاوت عقل اعتماد دارد که آن را در کنار قرآن، معیار تشخیص و درستی و نادرستی احادیث بر می شمارد،<sup>۱۴</sup> چرا که می بینیم ایشان برای تخصیص زدن به عموماً - در ادله استنباط احکام شرعی - هم چنان که قرآن را مَحْصَص می داند، عقل را نیز در کنار قرآن به عنوان مَحْصَص عموماً معرفی می نماید.<sup>۱۵</sup>

البته وی اگر دلیل عقل را می پذیرد، بدان دلیل است که علم آور است؛ هم چنان که حجیت خبر واحد را به آن دلیل که از نظر ایشان علم آور نیست نمی پذیرد.<sup>۱۶</sup>

جالب این جا است که با آن همه مخالفتی که شیخ مفید با خبر واحد دارد - و به خاطر آن حتی از انتقاد به استادش شیخ صدوق نمی گذرد - در صورتی که عقل آن را تأیید کند می پذیرد.<sup>۱۷</sup>

ما در این جا فقط به ذکر چند نمونه از کاربرد عقل و نقش آن در تحلیل مباحث تاریخی که مورد توجه ایشان بوده بسنده می کنیم:

رسول خدا (ص) در فتح مکه پرچم را به «سعد بن عباد» سپرد تا پیشاپیش دیگران وارد شهر شود. پس از حادثه ای که رخ داد،

اگرچه عقل به عنوان دلیل و حجت باطنی انسان معرفی شده است، اما عالمان دینی به کاربرد آن به شکل واحد نظر ندارند. به همین دلیل، میزان بهره مندی ایشان از عقل و دخالت دادن آن در حل مشکلات و تحلیل حوادث نیز به یک اندازه نبوده است.

شیخ مفید برای عقل در معرفت آدمی و برداشت از آثار و اخبار و گزینش آن ها نقش بسیار زیادی در نظر گرفته است. اساساً بسیاری از نظرات ایشان بر پایه پذیرش عقل و عدم آن استوار است. از این رو، به عدم تعقل و تدبر اهل حدیث در روایات به شدت پر خاش نموده، حتی استادش شیخ صدوق را به خاطر پیروی از این روش مورد انتقاد قرار داده است.

البته ممکن است در بسیاری از موارد، حدیث و خبری به جز نامعقول بودن، مشکل رجالی، سندی و مانند آن نیز داشته باشد، اما شیخ مفید پیش از پرداختن به هر ملاک دیگری، احادیث را از نظر عقل می سنجد و در صورت سازگار بودن با اصول عقلانی، به دنبال بررسی حدیث از زوایای دیگر می رود و از این رو است که با قاطعیت اعلام می کند: «اگر ما



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آن حضرت پرچم را از سعد گرفته امام علی (ع) را مأمور این کار نمود. شیخ مفید پس از نقل این واقعه با یک استدلال عقلانی می گوید: «اگر در این حادثه کسی جز امام علی (ع) شایستگی این مأموریت را داشت، حتماً رسول خدا (ص) این کار را به او می سپرد.»<sup>۱۸</sup>

در مباحث مربوط به شورش مسلمانان علیه عثمان نیز، شیخ پس از آن که دلایل متعددی برای اثبات عدم نقش امام علی (ع) در این حوادث بیان می کند، با اشاره به اهمیت داوری عقل راجع به گزارش های مختلف سخن می گوید: «آیا فرد خردمند، امام علی (ع) را از آن چه پیمان شکنان بدو نسبت داده اند میرا نمی داند؟»<sup>۱۹</sup>

هم چنین در ادامه همین جریان در مورد حرکتی که طلحه و زبیر انجام دادند و منجر به کشته شدن عثمان و حوادث پس از آن شد، می گوید: «طلحه و زبیر محاصره عثمان را به عهده گرفتند تا آن که وی کشته شد. سپس آن دو امام علی (ع) را در این کار متهم نمودند و خود را از آن چه انجام داده بودند میرا دانستند! آیا هیچ عاقلی در عملی که آنان انجام دادند تردید دارد؟»<sup>۲۰</sup>

نقش عقل از دیدگاه ایشان چندان اهمیت

داشت که به اشاره های پراکنده اش درباره عقل در نوشته های خویش اکتفا نکرده و کتابی مستقل با عنوان قضیه العقل علی الافعال تالیف نمود.<sup>۲۱</sup>

### ردّ خبر واحد

شیخ مفید احادیثی را که به شکل خبر واحد روایت شده اند نپذیرفته است. ملائک وی در ردّ این گونه روایات، علم آور نبودن آن ها است. از این رو، تقریباً در تمامی موارد، با تأکید بر این که این روایات ما را به علم نمی رساند و انگیزه ای برای عمل بر طبق آن ایجاد نمی کند، این دسته از روایات را مردود دانسته است. به عنوان نمونه، در باره بیعت با امام علی (ع) از روی اکراه، پس از نقل روایت واقدی می گوید: «خبر واحدی است که با روایات متواتری که برخلاف معنای این روایت وارد شده اند در تضاد است.»<sup>۲۲</sup>

یا در باره جانشین شدن ابوبکر در نماز از ناحیه رسول خدا (ص) می گوید: «این روایت خبر واحد است و موجب علم و عمل نیست.»<sup>۲۳</sup>

هم چنین در باره خبر مربوط به سهو رسول خدا (ص) در نماز می گوید: «این روایت از اخبار آحاد است که فایده علمی و عملی ندارد



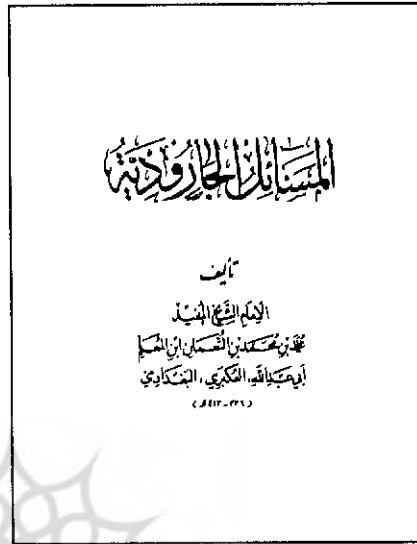
شیعه نیز بدان استدلال می‌کند. از این رو، برخی از روایاتی که خود وی به آن‌ها استناد کرده از این دسته هستند. ۲۷

### مخالفت یا موافقت با احکام پذیرفته شده فقهی

در نگاه شیخ مفید مخالفت یا موافقت روایات تاریخی با احکام پذیرفته شده فقهی جایگاه خاصی دارد. در حقیقت، وی با استفاده از احکام و دستورات مشهور و پذیرفته شده فقهی، برخی از روایات تاریخی را مورد سنجش قرار داده در ردّ یا قبول کردن آن‌ها از این طریق بهره برده است که برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

وی برای اثبات ایمان ابوطالب و ردّ نظر مخالفان از این مبنا استفاده کرده است: «پس از رحلت ابوطالب، امام علی (ع) نزد رسول خدا (ص) رفت و آن حضرت به امام علی (ع) دستور داد تا برای تجهیز و تدفین ابوطالب اقدام نماید و خودش نیز بر جنازه ایشان حاضر شد و در حقّ ابوطالب دعا کرد و در مقابل مردم سوگند یاد کرد که از او شفاعت کند». ۲۸

شیخ مفید این حرکت پیامبر (ص) را از دو جهت دلیل بر مؤمن بودن ابوطالب می‌داند که هر دو دلیل بر مبنای موافقت با احکام فقهی است:



و عامل بر طبق آن با عامل به ظنّ و گمان مساوی است». ۲۴

وی خبر مربوط به گذشتن وقت نماز صبح، طلوع خورشید و قضا شدن نماز رسول خدا (ص) را نیز خبر واحد می‌داند که همان مشکل بی‌فایده بودن علمی و عملی را دارد. ۲۵ درست به همین دلیل است که اگر خبر

واحد را یکی از سه عامل «دلیل عقلی» «عرف» یا «اجماع بدون مخالف» تأیید کند آن را «حجت» می‌داند. ۲۶ از نظر شیخ مفید، خبر واحدی که مقرون به دلایل عقلی است اشکالی ندارد و



اول: دستور رسول خدا(ص) برای تجهیز ابوطالب و به ویژه دستور به اجرای احکام و دستورات اسلامی در امر غسل و کفن و غیره دلیل درستی است بر ایمان ابوطالب، و گر نه آن حضرت به فرزندان دیگر ابوطالب که در این زمان مؤمن نبودند این دستور را می داد. ۲۹

دوم: دعا برای ابوطالب، که اگر ایشان مؤمن نبود دعای رسول خدا(ص) برای او و نیز وعده شفاعت از او جایز نبود. ضمن آن که وقتی از آن حضرت پرسیدند برای عموی خود، ابوطالب، چه می خواهی؟ فرمود: «تمام خوبی ها را از پروردگارم برای او می خواهم». ۳۰

### استدلال با استدلال مخالفان

شیخ مفید که یک متکلم است، جدل را که شیوه ای شناخته شده در مباحثات کلامی است، به حوزه تاریخ می کشاند و در برخی از موارد برای پاسخ دادن به مخالفانش از آن استفاده می کند. به عنوان نمونه می توان به موارد ذیل که آمیخته ای از مباحث کلامی با تاریخی است، اشاره کرد:

در بحث بیعت با امام علی(ع) که به اعتقاد برخی مخالفان از طرف عده ای با اکراه انجام

شد، شیخ پس از رد این ادعا می گوید: «اگر اکراه در بیعت با امام علی(ع) خدشه در امامت ایشان وارد کند، پس اکراه بر بیعت با ابوبکر و عمر و عثمان نیز باعث فساد امامت (خلافت) آنان خواهد بود». ۳۱

وی از این طریق برای اثبات بیعت با امام علی(ع) و وجوب اطاعت همگان از ایشان بهره جسته و با به کار بردن استدلال مخالفان، در صدد پاسخگویی برآمده است. از این رو درباره بیعت با امام علی(ع) از روی اکراه، ضمن آن که آن را نمی پذیرد، می گوید: «اکراه در بیعت با امام علی(ع) - حتی بر مبنای مخالفین که قائل به اختیار خلیفه اند - تاثیر منفی بر خلافت و امامت ایشان نخواهد گذاشت، زیرا اگر بیعت تعدادی محدود از بزرگان به خلافت خلیفه رسمیت بخشد و اطاعت از او را بر سایرین نیز واجب گرداند و برای او جائز باشد متمرّدین و کسانی را که از بیعت کناره گرفته اند ولو با تازیانه و شمشیر متقاعد نموده داخل در جماعت گرداند - چنان که از نظر مذهب مخالفین چنین است - پس امام علی(ع) سزاوارتر است تا از وی اطاعت شود؛ زیرا بسیاری از آنان که با ایشان در جنگ ها شرکت کرده و برای یاری ایشان از جان گذشته بودند با ایشان بیعت کردند:





برخی از مهاجران اهل بدر، انصار اهل بیعت‌های عقبه و رضوان و برخی تابعین از آن جمله بودند. پس آن چه مخالفان بدان تمسک جسته و ادعا کرده‌اند که برخی از افراد که آنان نام می‌برند با اکراه و اجبار با امام علی (ع) بیعت کرده‌اند، باطل است.<sup>۳۲</sup>

### استفاده از دلالت معانی لغوی و ادبی

شیخ مفید در برخی موارد، برای رد یا قبول روایات تاریخی از معانی لغوی و ادبی کلمات و واژه‌ها بهره برده است.

به عنوان نمونه در بحث ایمان ابوطالب پس از ذکر اشعاری از ابوطالب، در ذیل یکی از ابیات آن می‌گوید: «هر کس در این بیت دقت کند، محبت گوینده آن به رسول خدا (ص) و اعتراف به پیامبری ایشان و اقرار به حق بودن آن چه آورده است را درک خواهد کرد، زیرا بین این سخن که «محمد پیامبری راستگو است و آن چه بدان می‌خواند حق است» و بین این سخن که «پروردگار با یاری خود او را تأیید کرد و دین حق و غیر باطلی را آشکار نمود» تفاوتی نیست. هم‌چنین در این بیت، با صراحت و به درستی، اقرار به توحید و اعتراف به پیامبری رسول خدا (ص) وجود دارد.<sup>۳۳</sup>

وی با بیان شعری دیگر از ابوطالب می‌گوید: «ابوطالب در این قصیده با الفاظ ویژه تصدیق، به پیامبری رسول خدا (ص) تصریح کرده و سوگند یاد می‌کند که با جان خود و خانواده‌اش ایشان را یاری خواهد کرد».<sup>۳۴</sup>

وی با بیان شعری دیگر از ابوطالب، مضمون آن را مطابق با آیه‌ای از قرآن دانسته است که بعثت رسول خدا (ص) را در زمان فترت پیامبران می‌داند، از این رو می‌گوید: «اگر در این شعر شهادت به پیامبری رسول خدا (ص) وجود نداشته باشد، پس در ظاهر آیه نیز شهادت وجود ندارد و این سخنی است که هیچ عاقلی که کمترین آشنایی با زبان داشته باشد آن را نمی‌گوید».<sup>۳۵</sup>

وی در باره معنای عترت در روایت رسول خدا (ص) که قرآن و عترت را دو چیز گرانبها دانسته‌اند نیز از این ملاک استفاده کرده می‌گوید: «ما در مورد این روایت به معنای آشکار آن رجوع می‌کنیم که عترت مرد، بزرگان خانواده‌اش و نیز افراد برتر و خواص شخص از نظر فضل و خرد هستند و برای ما، با دلایل دیگری غیر از این روایت، برتری امیر مؤمنان علی (ع) بر سایر اهل بیت رسول خدا (ع) و هم‌چنین برتری امام حسن و امام حسین (ع) و برتری امامان دیگر از نسل امام حسین (ع) بر

سایر مردم ثابت شده است، پس باید ایشان همان کسانی باشند که در میان ما باقی مانده اند و آنان همان عترت رسول خدا(ص) هستند.<sup>۳۶</sup>

### حکایت روایت از واقع

مورد دیگری که از نظر شیخ مفید مطرح بوده و ملاک رد یا قبول روایت است، مضمون روایات و انطباق آن‌ها بر واقعیات است که به عنوان نمونه می‌توان به مورد ذیل اشاره کرد:

در گزارشی آمده است که رسول خدا(ص) در نمازی چهار رکعتی، پس از رکعت دوم سلام داد و علت آن روشن نبود تا آن که از آن حضرت علت آن را پرسیدند. پاسخ ایشان به گونه‌ای بود که برخی به ایشان نسبت سهو دادند. شیخ مفید در کنار دلایل دیگری که برای رد این نسبت آورده - و برخی از آن‌ها گذشت - با استفاده از خود روایت آن را نمی‌پذیرد و می‌گوید: «ضمن آن که خود این خبر حکایت از ساختگی بودن آن دارد و علت ساختگی بودنش این است که - چنان که راویان گمان کرده‌اند - وقتی رسول خدا(ص) در نماز چهار رکعتی پس از رکعت دوم سلام داد، ذوالبیدین از ایشان پرسید: آیا نماز را قصر کردید یا فراموش کردید؟ فرمود: هیچ کدام.

پس آن حضرت قصر کردن و سهو در نماز را نفی کرد و برای ما و حشویه - که سهو را برای رسول خدا(ص) مجاز می‌دانند - جایز نیست که عمداً یا سهواً آن حضرت را دروغگو بدانیم. پس هنگامی که آن حضرت می‌فرماید در نماز سهو نکرده است و ایشان در سخنش راستگو است، دروغگویی کسانی که سهو را به آن حضرت نسبت می‌دهند ثابت می‌شود و بدون تردید بطلان ادعای آنان در این باره آشکار می‌شود».<sup>۳۷</sup>

### شهرت

شهرت یک گزارش یا روایت تاریخی در نگاه شیخ مفید از ملاک‌های پذیرش آن است؛ هم چنان که وی در برخی موارد روایاتی را به سبب مشهور نبودن آن رد می‌کند. بر این اساس، دلیل وی برای عدم پذیرش انفاق ابوبکر، به علاوه دلایل دیگری که می‌آورد، مشهور نبودن آن است، به ویژه در مقایسه با شهرت انفاق امام علی(ع) و حتی در مرتبه‌ای پایین‌تر، در مقایسه با شهرت انفاق عثمان. البته نمونه‌ها و مصادیق هر یک از این استدلال‌های شیخ مفید بسیار بیشتر از این است که در آثار ایشان می‌توان بدان دست یافت.<sup>۳۸</sup>



## □ منابع

- لالفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ.
- همو، تصحيح الاعتقاد، تحقيق حسين درگاهی، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ.
- همو، الجمل و النصره لسيد العترة في حرب البصرة، تحقيق سيد علي مير شريفی، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ.
- همو، المسائل العكبيرة، تحقيق علي اكبر الهی خراسانی، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ.
- همو، المسائل السرورية، تحقيق صائب عبد الحميد، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ.
- همو، المسائل الجارودية، تحقيق محمد كاظم مدير شانہ چی، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ.
- همو، عدم سهو النبي (ص)، تحقيق مهدي نجف، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الفهرست، به كوشش سيد محمد صادق بحر العلوم، قم: منشورات الشريف الرضي، [بی تا].
- كراجکی، ابو الفتاح محمد بن علی، كنز الفوائد، به كوشش عبد الله نعمه، بيروت: دار الاضواء، ١٤٠٥ هـ.
- نجاشی، ابو العباس احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقيق سيد موسى شبيري زنجانی، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤٠٧ هـ.
- طهرانی، محمد محسن آقا بزرك، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، چاپ دوم، ٢٦ جلد، بيروت: دار الاضواء، ١٤٠٦ هـ.
- مفيد، ابو عبد الله محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ.
- همو، الإنصاح في الإمامة، تحقيق مؤسسة البعثة، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمي



□ پی نوشت ها:

۱. طوسی، الفهرست، ص ۱۵۸.
۲. مصنفات شیخ مفید، ج ۷، المسائل السرویه، ص ۸۷.
۳. همان، ج ۱، الجمل، ص ۱۱۲.
۴. همان، ج ۸، الانصاح، ص ۲۱۹-۲۲۱.
۵. همان، ص ۲۰۶.
۶. همان، ص ۴۲۶.
۷. همان، ج ۱۰، ایمان ابی طالب، ص ۲۲.
۸. همان، ج ۱، الجمل، ص ۴۱۹.
۹. همان، ج ۵، عدم سهو النبی، ص ۲۲.
۱۰. همان، ص ۲۴.
۱۱. همان، ج ۶، المسائل العکبریه، ص ۵۲؛ ج ۸، الانصاح فی الامامه، ص ۲۰۱-۲۰۵.
۱۲. همان، ج ۷، المسائل السرویه، ص ۸۸.
۱۳. همان، تصحیح الاعتقاد، ص ۱۴۹.
۱۴. همان، ص ۱۴۶.
۱۵. کراچکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، ج ۲، ص ۲۳.
۱۶. همان.
۱۷. همان، ص ۲۹.
۱۸. الارشاد، ج ۱، ص ۶۱.
۱۹. مصنفات، ج ۱، الجمل، ص ۱۴۲.
۲۰. همان.
۲۱. نجاشی، رجال، ص ۴۰۱؛ طهرانی، آقابزرگ، الذریعه، ج ۱۷، ص ۱۵۵.
۲۲. مصنفات، ج ۱، الجمل، ص ۱۱۳.
۲۳. همان، ج ۶، المسائل العکبریه، ص ۵۲.
۲۴. همان، ج ۵، عدم سهو النبی، ص ۲۰ و ۲۱.
۲۵. همان، ص ۲۷.
۲۶. کنزالفوائد؛ ج ۲، ص ۲۹.
۲۷. مصنفات، ج ۷، المسائل الجارودیه، ص ۴۶.
۲۸. همان، ج ۱۰، ایمان ابی طالب، ص ۲۵ و ۲۶.
۲۹. همان، ص ۲۶.
۳۰. همان، ص ۲۷.
۳۱. همان، ج ۱، الجمل، ص ۱۱۵.
۳۲. همان، ص ۱۴.
۳۳. همان، ج ۱۰، ایمان ابی طالب، ص ۱۹.
۳۴. همان، ص ۲۱.
۳۵. همان، ص ۳۵ و ۳۶.
۳۶. همان، ج ۷، المسائل الجارودیه، ص ۴۲.
۳۷. همان، ص ۲۲ و ۲۳.
۳۸. الانصاح، ص ۲۱۱.

